

یادش به خیر! روزه‌های خوب کودکی، با خاطراتی خوش و با طعم آب‌نبات -که شیرینی مطبوعش هرگز از یاد نمی‌رود-.

یکی از ماندنی‌ترین برگ‌های تقویم کودکی، لحظات شاد تماشای کارتون بود؛ با شخصیت‌هایی که حماقت، بلاهت و سفاقت موجود در رفتارشان، خنده را بر لب‌ها می‌نشانند و خاطره را بر دل‌ها.

و اما در ایام بزرگ‌سالی و درعالم جدیّات، اگرچه باب حماقت و سفاقت در زندگی‌ها هنوز باز مانده است، اما این‌بار به جای آن‌که جذابیتی از جنس شادی و لیخند را به همراه داشته باشد، تلنگری جدی است که، مستقیماً قوه تفکر و تعقل کودکان دیروز را را به تلاطم وا می‌دارد تا بدان‌جا که امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) حماقت اهل حُمنی را به یاد اصحاب تعقل می‌آورد و برحذرشان می‌دارد از همنشینی با ایشان؛ همان‌ها که جدی‌ترین شاخصه رفتاری‌شان، ماست‌مالی و بلکه آینه‌کاری و تزیین خراب‌کاری‌ها و تباه‌کاری‌های زندگی‌شان است.

البته اگر از حق نگذریم، در پدیده مصاحبت و مؤانست با حُمقاء، همه تقصیرها هم به گردن آن‌ها نیست؛ زیرا کسی که هم‌نشینی با اهل حماقت را برمی‌گزیند، حتماً خود رگه‌هایی از حُمنی دارد که، به قول قدما: «دیوانه چو دیوانه ببیند، خوشش آید!» به هر جهت بروز صفت حُمنی ناشی از تعطیلی تعقل است که، این فرآیند از یک‌سو با تفکر در ارتباط است و از

خوشه‌چینان

... إلی اللّٰهَد! | گزارشی از هم‌نشینی سوره تکاثر، انجمن ادبی خوشه‌چینان وحی

• فاطمه صادقی قهروه

برای برقراری ارتباط و ابراز نیازمان است.

این‌ها را نگفتم تا فکر کنی نشست ادبی سوره مبارکه تکاثر تبدیل شده است به یک نشست فلسفی، نه.

اما تکاثر. تکاثر یعنی زیادی‌ای که توهمی

است، و لهو یعنی کاری که تو را از کار مهم

باز می‌دارد، و علم یعنی آن چیزی که به آن

احاطه داری. و نعمت می شود هر چیزی که

ما آدم‌ها، همه چیز را با هم مبادله می‌کنیم.

هر چیزی را به ازای چیز دیگری به دست

می‌آوریم و چیزی را طلب نمی‌کنیم، مگر

آن‌که در آن چیز نفعی برایمان باشد.

ما انسانها، اساساً تاجریم. از همان بدو تولد،

اگر گریه می‌کنیم برای بدست آوردن چیزی

است، و اگر شروع به حرف زدن می‌کنیم،

خوشه‌چینان

یه سوال!

• هانۀ چیت‌چینان

سینه‌اش را داد جلو و با چند سرفه پی‌درپی، صدایش را صاف کرد و گفت: «بپرسید من آماده‌ام.»

گفتند: «از این همه درس تاریخ، در زندگی چه درسی گرفتی؟»

کمی مکث کرد. جنس سوال با سوالاتی که تا به حال جواب داده بود، فرق داشت. باز صدایش را صاف کرد و گفت: «تاریخ عبارتست از سرگذشت اقوام، دولت‌ها و جریانات اجتماعی

دگرسوی با علم و ایمان مرتبط می‌شود.

فرد «ذوحماقه» به دلیل بروز مشکل در سامانه تعقل، قادر به تشخیص سود و زیان خود نیست، تا چه رسد به نفع و ضرر دیگران. طبیعتاً چنین فردی، مورد مناسبی برای دوستی و مجالست نخواهد بود.

نکته‌ای دیگر آن‌که، در میان کلام گهربار مولا(علیه‌السلام) به موارد مشابهی برخورد می‌کنیم که حضرت، مصاحبت با گروه‌هایی را نهی فرموده است که برجسته‌ترین آن‌ها عبارتند از: افراد فاسق، بخیل، ترسو، کذاب و احمق.

این صفات در مقوله مقدس ازدواج، به عنوان عالی‌ترین سطح دوستی و مصاحبت بین دو انسان، به عنوان شاخصه‌های بنیادین به شکلی جدی موضوعیت پیدا می‌کند. به همان اندازه که غیبت این صفات می‌تواند مسئله زوجیت را به سمت سکونت و آرامش سوق دهد، ظهور آن‌ها نیز زمینه آزار و اذیت طرف مقابل را مهیا می‌سازد و پایه‌های این بنای مقدس را به ارتعاش و لرزش وا می‌دارد.

سخن کوتاه کنیم به این جمله که، پیش از آنکه به سوی دوستی و مصاحبت با احمقان کشیده شویم، پناه بر خدا!، سعی کنیم که از اهل حماقت نباشیم. به این شاخصه که مبدا به جای اصلاح اشتباهات به دامن تزیین و رنگ و لعاب دادن به آن‌ها بیفتیم.

بقیه علوم آبهایی است که مانند آبشار از آن

سرازیر می شود.

انسان اگر بخواهد تجارت کند، چه تجارتی

و چه کاری مهم تر ازاینکه خودش و تمام

هستیش را با خدا معامله کند.

فرقی نمی کند چه علمی یاد بگیری، مهم

این است که علمی بیاموزی که تو را به او

برساند. و این علم است که، معیار تمیز کوثر

از تکاثر می شود.

سرجمع این که، جز محبت خدا در این

دنمایی که نهایتش قبر است به دنبال چیز

دیگر نباش. گشتیم نبود نگردد نیست.

انسان را به سعادت برساند.

علم مراتب مختلفی دارد. در سطوح پایین‌تر

که نگاه می‌کنید، علوم کثرت زیادی دارند؛

اعم از: مدیریت،مهندسی،پزشکی و گرافیک

و.... ولی همین طور که بالاتر بروی وسیع

علوم را پی بیگیری همه را نشأت گرفته از

حکمت می یابی و حکمت را برگرفته از

توحید. توحید سرچشمه است و قوانینِ

گذشته که به دوران‌های مختلفی تقسیم می‌شود.» باز همان سوال را تکرار کردند: «از این همه درس تاریخ، در زندگی چه درسی گرفتی؟»

باز صدایش را صاف کرد، ولی این بار واقعا صدایش گرفته بود: «فکر می‌کنم مکاتب مختلف تاریخی را بتوان در چند دسته کلی دسته بندی کرد، که...» دوباره همان سوال را تکرار کردند.

سینه‌اش دیگر تورفتگی پیدا کرده، و نگاهش را به زمین دوخته بود. گفت: «امروزه در دنیا نگاه هرمنوتیکی به تاریخ خیلی رایج است، شاید بشود...» باز هم همان سوال را تکرار کردند. دیگر حسابی ترسیده بود. با صدای بریده‌بریده گفت: «یعنی، تاریخ، زندگی تاریخ را باید، نه تاریخ و زندگی در امروز، یعنی هگل تاریخ را برای تمدن، نه مردم...» ردش کردند. هیچ کدام از آن همه کتابی که خوانده بود، به کارش نیامد.

خبر فوری...!

به خبری که هم اکنون (روز چاپ نشریه) به دستمان رسید، توجه کنید:

همایش سوره مبارکه فجر، شنبه ۱۶ مهر، از ساعت ۱۶، در تالار ابن‌سینای دانشکده پزشکی، برگزار خواهد شد. از علاقمندان برای شرکت و مشارکت در این همایش دعوت به عمل می‌آید.

بِاِخْتِصَاصٍ

اَللّٰهُمَّ جَلِّ لَوَلِيَّكَ اَلْفَرَجَ

کاشف

سه‌شنبه
۱۲ مهر ۱۳۹۰
شماره ۲۰
هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری
مدرسهٔ دانتنجویه قرآن و عترت
دانشگاه تهران
www.Kashef.goo.ir | KashefNews@Live.com

برای عضویت در انجمن ادبی خوشه‌چینان وحی
نام خود را به شماره ۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید
برای عضویت در گروه خبرنگاران افتخاری کاشف
نام خود را همراه با عبارت «خبرنگار» به شماره
۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید



السلام علیک یا
علی ابن موسی الرضا
(علیه السلام)

امام رضا(علیه السلام) فرمود:

امام را علامتی است: ... اختیار او نسبت به مردم از اختیار آنان نسبت به خودشان بیشتر است،

نسبت به مردم از پدر و مادرشان دلسوزتر است، از همه مردم در مقابل خداوند متواضع‌تر

است، از همه بیشتر به آنچه که مردم را به آن امر می‌کند، عمل می‌کند و از همه بیشتر، از

آنچه که مردم را از آن نهی می‌کند دوری می‌نماید....

عیون اخبار الرضا(علیه السلام)-ترجمه غفاری و مستفید، ج ۱، ص: ۴۳۹

